



The Iranian Association of
Medical Law



Institute of Bioethics
and Health Law

A Comparative Study of the Criminal Liability of Legal Entities for Medical Crimes in Iranian and English Law

Reza Moghaddam¹, Hossein Goldouzian^{1*}, Ali Akbar Esmaili¹

1. Department of Law, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Medical and pharmaceutical offences constitute one of the principal categories of crimes that may be committed by legal entities, whether public or private. The significance of corporate criminal liability in this field became particularly evident following the COVID-19 pandemic, during which pharmaceutical companies, both domestically and internationally, were alleged to have supplied contaminated vaccines to healthcare institutions, while public authorities, including the Ministry of Health and Medical Education, were alleged to have been negligent in the distribution of pharmaceutical supplies to patients. This study aims, first, to examine the criminal liability of legal entities arising from the commission of medical crimes under the Iranian legal system; second, to analyse the corresponding legal framework in English law and finally, to compare the approaches adopted by the two legal systems.

Methods: This study employed a descriptive-analytical methodology based on documentary research. Relevant library resources from the legal systems of Iran and England were examined to identify and compare their respective approaches to the criminal liability of legal entities arising from the commission of medical crimes.

Ethical Considerations: Throughout this study, the principles of academic integrity, non-discrimination and respect for the originality of sources were fully observed.

Results: Since the criminal liability of legal entities has been expressly recognised under the Islamic Penal Code of 2013, examining the criminal liability of legal entities in relation to medical crimes has become increasingly significant in Iranian law. In contrast, English law has developed a more comprehensive legal framework governing the criminal liability of legal entities in relation to medical crimes through both specific statutory provisions and an extensive body of judicial decisions.

Conclusion: In the Iranian legal system, the foundations of the criminal liability of legal entities for medical crimes are shaped by diverse jurisprudential principles, including the principles of no harm (La Zarar), causation and other Islamic legal doctrines, owing to the absence of a unified legal approach. By contrast, English law primarily grounds such liability in human rights principles, particularly the right to health and the protection of consumer rights. Furthermore, the legal requirements governing the criminal liability of legal entities for medical crimes differ substantially between the Iranian and English legal systems.

Keywords: Criminal Liability of Legal Entities; Medical Crimes; Hospitals; Cosmetic Clinics; Pharmaceutical Companies; Ministry of Health and Medical Education; Medical Sciences Universities

Corresponding Author: Hossein Goldouzian; **Email:** hossein_goldouzian@yahoo.com

Received: August 30, 2025; **Accepted:** January 13, 2026; **Published Online:** May 28, 2026

Please cite this article as:

Moghaddam R, Goldouzian H, Esmaili AA. A Comparative Study of the Criminal Liability of Legal Entities for Medical Crimes in Iranian and English Law. *Medical Law Journal*. 2026; 20: e28.



بررسی تطبیقی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان با تأکید بر جرائم پزشکی

رضا مقدم^۱، حسین گلدوزیان^{۱*}، علی اکبر اسمعیلی^۱

۱. گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: جرائم پزشکی و دارویی، یکی از اصلی‌ترین جرائم هستند که می‌توانند توسط اشخاص حقوقی اعم از اشخاص حقوقی عمومی و خصوصی ارتکاب یابند. این نوع مسئولیت به ویژه پس از بحران کرونا اهمیت ویژه‌ای یافت که شرکت‌های دارویی هم در سطوح بین‌المللی هم در سطوح داخلی، واکسن‌های آلوده در اختیار مراکز پزشکی و درمانی قرار داده یا اینکه نهادهای دولتی متصدی مانند وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در انتقال محموله‌های دارویی به بیماران تقصیر داشته‌اند. آنچه از اهداف این تحقیق می‌باشد، اولاً شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اثر ارتکاب جرائم پزشکی در نظام حقوقی ایران؛ ثانیاً شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اثر ارتکاب جرائم پزشکی در نظام حقوقی انگلستان؛ نهایتاً بررسی تفاوت‌های میان نهاد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اثر ارتکاب جرائم پزشکی بین نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان است.

روش: روش پژوهش حاضر مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است. در این راستا، از منابع کتابخانه‌ای موجود در سطح دو نظام حقوقی ایران و انگلستان برای ترسیم رویکرد کلی‌شان در ارتباط با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اثر ارتکاب جرائم پزشکی استفاده می‌شود.

ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق، اصول امانتداری علمی، عدم تبعیض و اصالت متن مورد رعایت قرار گرفته است.

یافته‌ها: بدیهی است که با توجه به اینکه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اشاره شده و مورد پذیرش قرار گرفته است؛ اهمیت پرداختن به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اثر ارتکاب جرائم پزشکی، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد. در نظام حقوقی انگلستان، قوانین جزایی خاص در ارتباط با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اثر ارتکاب جرائم پزشکی تصویب و رویه قضایی متعددی نیز در این زمینه با توجه به پیشینه طولانی‌تر آن نسبت به ایران وجود دارد.

نتیجه‌گیری: مبانی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ناشی از ارتکاب جرائم پزشکی در نظام حقوقی ایران، در سایه عدم رویکرد حقوقی واحد، بر اساس مبانی فقهی همچون قاعده لاضرر، تسبیب و... قابل توصیف است، اما در نظام حقوقی انگلستان بر مبنای حقوق بشری، یعنی حق بر سلامت بیماران و حمایت از حقوق مصرف‌کننده دنبال می‌شود. شرایط مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ناشی از ارتکاب جرائم پزشکی در نظام حقوقی ایران و انگلستان نیز با یکدیگر متفاوت هستند.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری شخص حقوقی؛ جرائم پزشکی؛ بیمارستان؛ کلینیک زیبایی؛ شرکت‌های دارویی؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ دانشگاه‌های علوم پزشکی

نویسنده مسئول: حسین گلدوزیان؛ پست الکترونیک: hossein_goldouzian@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۰۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Moghaddam R, Goldouzian H, Esmaeili AA. A Comparative Study of the Criminal Liability of Legal Entities for Medical Crimes in Iranian and English Law. Medical Law Journal. 2026; 20: e28.

مقدمه

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، پیامد شخصیت حقوقی و نتیجه عدم تکافوی ضمانت اجراهای حقوقی و انضباطی در کنترل رفتار خطرناک و اصلاح خط مشی مجرمانه آن‌هاست (۱). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی هم شامل مسئولیت کیفری شرکت‌ها و هم مسئولیت کیفری دولت می‌شود، چه آنکه برخی از جرائم، از جمله جرائم زیست‌محیطی است که اصلی‌ترین مرتکب آن می‌تواند خود دولت باشد (۲). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرائم پزشکی، یکی از مباحث مهم و اساسی در حوزه حقوق جزای پزشکی است. آنچه که بررسی این موضوع را با اهمیت بیشتری مواجه می‌سازد، این است که برای نخستین بار در قانون مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی ۱۳۳۴ که مستقیماً با جرائم پزشکی مرتبط است، اصل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به رسمیت شناخته شد. بدیهی است که منظور از اشخاص حقوقی در جرائم پزشکی هم می‌تواند اشخاص حقوقی حقوق خصوصی، یعنی بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، کلینک‌های زیبایی و اشخاص حقوقی حقوق عمومی، یعنی دولت و بالاتر از تمامی آن‌ها، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه‌های علوم پزشکی در سطوح استانی و شهرستان می‌باشد، البته اشخاص حقوقی حقوق عمومی بر مبنای تصریح قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در مواردی که اعمال حاکمیت می‌نمایند، اگر مرتکب رفتار خسارت‌باری شوند، دارای مسئولیت قانونی نیستند. با این حال، برخلاف نهاد مسئولیت مدنی اشخاص حقوقی که دیرزمانی است به موضوعی مأنوس و بی‌مناقشه در حقوق مدنی تبدیل شده، مسئولیت کیفری آن‌ها در قلمروی کیفری پدیده‌ای نوظهور و پرمناقشه تلقی می‌شود. در رویه قضایی نیز به موضوع مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اشاره شده است، از جمله می‌توان به دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۰۲۶۹۵۰۲۷۴ به تاریخ ۱۳۹۵/۰۳/۲۲ صادره از شعبه ۵۲ دادگاه تجدید نظر استان تهران اشاره نمود که در ارتباط با مسئولیت کیفری بانک به عنوان یک شخص چنین حکم داده شده است که محکومیت شخص مرتکب جعل به

جعل امضای چک و پرداخت مبلغ چک از سوی بانک، نافعی مسئولیت کیفری و مدنی بانک در این شرایط نیست. در دادنامه دیگری با شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۶۰۱۳۱۷ به تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۴ صادره از شعبه ۱۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران آمده است که در ارتباط با مسئولیت کیفری بانک به عنوان یک شخص حقوقی آمده که در صورتی که احراز شود که بانک در زمینه تقصیر کارمند خود در ارتکاب جرم جعل چک، با وی تبانی نموده است، بایستی کلیه خساراتی که به مشتری وارد شده را پرداخت نماید و این مسئولیت محدود به میزان تقصیر اثباتی کارمند خاطی در محاکم کیفری نیست (۳).

در حوزه ضرورت و اهمیت تحقیق حاضر می‌توان به چندین مورد اشاره داشت: نخست اینکه علیرغم اینکه از زمان تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مقالات و پژوهش‌های متعددی در حوزه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، اعم از حقوق خصوصی و حقوق عمومی به رشته نگارش درآمده است، اما این تحقیقات به حوزه خاص جرائم پزشکی و آن هم به صورت تطبیقی میان نظام حقوقی ایران و انگلستان ورود پیدا نکرده است؛ دوم اینکه علیرغم تحولاتی که در باب مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ حادث شده است، اما قانون‌گذار ایرانی به صورت خاص به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جرائم پزشکی اشاره نکرده است.

اهدافی که در این تحقیق مورد نظر است: اولاً شناسایی رویکرد هر یک از نظام‌های سیاست جنایی ایران و انگلستان در ارتباط با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جرائم پزشکی؛ ثانیاً شناسایی چالش‌ها و خلأهایی که در نظام حقوقی ایران در ارتباط با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جرائم پزشکی وجود دارد، با توجه به تجربیات مثبتی که در نظام قانون‌گذاری انگلستان در این زمینه وجود دارد.

نکته مهم آن است که اگرچه مسئولیت کیفری در ارتباط با اشخاص حقوق عمومی امکان‌پذیر است، اما این مسئولیت کیفری در مواردی که موجب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قابل اثبات است که به موجب اعمال تصدی‌گری باشد نه

روش

روش تحقیق در این مقاله، توصیفی - تحلیلی است. در این راستا، از منابع معتبر کتابخانه‌ای، یعنی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در زمینه جرائم پزشکی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان بهره گرفته می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

اشخاص حقوقی در کنار اشخاص حقیقی، دارندگان مسئولیت کیفری در نظام‌های کیفری مختلف شناخته می‌شود. در نظام کیفری ایران نیز به موجب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و البته پیش از این در قوانین کیفری ناظر بر جرائم رایانه‌ای، به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اشاره شده است، با این حال، در سیاست جنایی ایران برای نخستین بار به صورت عام در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بوده است که به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اشاره شده است. در مقابل، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در سیاست جنایی انگلستان سابقه دیرینه دارد و حدود یک سده است که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به صورت عام در این سیاست جنایی مورد پذیرش قرار گرفته است. در ارتباط با شرایط ماهوی و شکلی ناظر بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در سیاست‌های جنایی ایران و انگلستان، تفاوت‌های زیادی وجود دارد. به عنوان یافته این تحقیق باید گفت که اولاً هم در رویه قضایی جمهوری اسلامی ایران (پس از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) و هم در رویه قضایی محاکم انگلستان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به رسمیت شناخته شده است؛ ثانیاً مهم‌ترین مبانی حقوقی انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در چند دهه اخیر در انگلستان نظریه‌های مسئولیت نیابتی، همانندسازی یا شخصیت ثانوی و تقصیر جمعی و نیز نظریه مسئولیت سازمانی بوده است؛ نهایتاً

اعمال حاکمیتی. در برابر این پرسش تاریخی که آیا اشخاص حقوقی می‌توانند در زمره تابعان حقوق کیفری قرار گیرند یا خیر، پاسخ‌ها یکسان نبوده است. ممکن است بیان گردد مواردی همانند عدم امکان اعمال بسیاری از ضمانت اجراهایی، مانند اعدام، حبس و تبعید در حق اشخاص حقوقی، نقض اصل شخصی بودن مجازات، عدم تأمین هدف‌های مجازات، خاصه هدف سزادهی، اصلاح و مهم‌تر از همه، عدم اهلیت اشخاص حقوقی در استناد تقصیر به خود، پاسخ منفی به پرسش مزبور داده‌اند. مورد اخیر که مهم‌ترین دلیل مخالفان به شمار می‌رود، از آن رو است که تصور آن‌ها از اشخاص حقوقی موجوداتی غیر واقعی است که تنها مفهوم انتزاعی داشته، برای آن‌ها مختصاتی چون جسم، روح و قوه عاقله قائل نیستند. از این نظر گاه، رفتار مجرمانه و حالت روانی، منبث از دو اصل استقلال فردی (اختیار) و عقلانیت (ادراک) است که اشخاص حقوقی از آن‌ها بی‌بهره‌اند (۴). در مقابل گروه مخالفان، موافقان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بر این گمانند که می‌توان با توسل به واکنش‌هایی چون جریمه نقدی، انحلال، تعطیلی موقت، مصادره اموال، محدودکردن فعالیت شغلی، خدمت اجتماعی، به ضمانت اجرای قابل اعمال بر اشخاص حقوقی دست یافت و به هدف‌های سزاگرا و پیامدگرای مجازات جامه عمل پوشاند. مبنای ارتکاب جرم اشخاص حقوقی مبتنی بر پایه ریسک‌های محاسبه شده و تحلیل عقلانی هزینه - فایده است (۵)؛ بر این اساس، استفاده از ضمانت اجرای شدید و افزایش‌دهنده هزینه جرم، خواهد توانست آن‌ها را از ارتکاب جرم منصرف کند. موضوع اصلاح و بازپروری اشخاص حقوقی نیز از طریق مراقبت قضایی بر تصمیمات مجامع عمومی، هیأت‌مدیره و اصلاح سیستم جرم‌زای آن‌ها میسر خواهد بود (۶). در مورد نقض اصل شخصی بودن مجازات نیز باید گفت که اولاً نباید پنداشت اشخاصی چون سهامداران، بی‌گناه و فاقد تقصیرند، بلکه برعکس، بسیاری از جرائم اشخاص حقوقی ریشه در خطا و دستکم بی‌تفاوتی آن‌ها دارد (۷).

دیگر، استانداردهای منعکس در قانون فوق‌الذکر به دو بخش جرائم پزشکی داخل سرزمینی و جرائم پزشکی فراسرزمینی تقسیم می‌شود. انواع مختلفی از جرائم پزشکی در قانون پزشکی ۱۹۸۳ مندرج شده‌اند، از جمله قصور پزشکی، نقض اصل محرمانگی داده‌های بیماران، تجاوز به بیماران بیهوش (Sexual Assault against Anesthetised Patients) و...، برخی از جرائم پزشکی که در قانون فوق‌الذکر مندرج شده‌اند، هم از سوی اشخاص حقیقی و هم از سوی اشخاص حقوقی واقع می‌شوند و برخی صرفاً از سوی اشخاص حقیقی برای نمونه قصور پزشکی و درمانی، علاوه بر اینکه از سوی اشخاص حقیقی واقع می‌شوند، از سوی اشخاص حقوقی نیز قابلیت ارتکاب دارند (۱۰).

البته قانون پزشکی ۱۹۸۳، تنها قانون در حوزه جرائم پزشکی، درمانی و دارویی در نظام کیفری انگلستان نبوده، بلکه در این زمینه می‌توان به قانون تجهیزات پزشکی (The Medical Devices Act)، قانون داروخانه‌ها (The Pharmacy Act) و آیین‌نامه عملکرد در حوزه دارویی (The Pharmacy Operating Regulations) می‌توان اشاره داشت.

۲. شرایط مسئولیت کیفری در قبال جرائم پزشکی در نظام حقوقی ایران و انگلستان

۲-۱. در نظام حقوقی ایران: به صورت کلی جرائم پزشکی عرصه محدودتری نسبت به جرائم در حوزه درمان دارد. از این رو، حوزه مسئولیت کیفری پزشکان را شامل می‌شود، اگرچه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، مسئولیت محض یا بدون تقصیر پزشک به تبعیت از قول گروهی از فقهای امامیه مورد پذیرش قرار گرفته بود، اما با بازنگری صورت‌گرفته در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مسئولیت مبتنی بر تقصیر در ارتباط با مسئولیت کیفری پزشکان مورد پذیرش قرار گرفت (۱۱). این موضوع در ماده ۴۹۵ قانون ۱۳۹۲ مورد تصریح قرار گرفته است که پزشک در صورتی که در زمینه درمان مرتکب تقصیری نشده باشد، علاوه بر اینکه دارای مسئولیت کیفری نیست، دارای مسئولیت مدنی نیز نمی‌باشد، ولو آنکه برائت‌نامه از بیمار گرفته نشده باشد، پزشک در صورتی ضامن خسارات

بایستی گفت که به نظر می‌رسد انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی در ایران بر مبنای نظر واحد و یکسانی نمی‌باشد، بلکه تلفیقی از سه نظریه نمایندگی، همانندسازی و مسئولیت سازمانی است.

بحث

۱. مفهوم‌شناسی جرائم پزشکی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان

۱-۱. در نظام حقوقی ایران: با وجود اهمیت جرائم پزشکی و فعالیت پزشکان و به صورت کلی کادر درمان در درمان بیماران، نظام حقوقی ایران فاقد مقررات کیفری منسجم ناظر بر جرائم پزشکی، دارویی و درمانی است و قوانین در این حوزه به صورت پراکنده در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و سایر قوانین حوزه درمان دیده می‌شود، البته تحولاتی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در حوزه جرائم پزشکی دیده می‌شود. برای نمونه قابلیت اعمال مجازات‌های جایگزین حبس، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نظام نیمه‌آزادی و برخی از اشکال جرم‌زدایی از جرائم پزشکی سابق به ویژه بند «ج» ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی از زمره تحولات در این زمینه هستند (۸).

شرایطی برای ارتکاب جرائم پزشکی از مقررات پراکنده موجود در نظام کیفری قابل استنباط هستند. برای نمونه وجود قصد مجرمانه، عدم رعایت نظامات دولتی، مغایرت با موازین شرعی و مغایرت عمل با شؤون پزشکی (۹).

۲-۱. در نظام حقوقی انگلستان: قانون اصلی در نظام کیفری انگلستان ناظر بر جرائم پزشکی، قانون پزشکی ۱۹۸۳ (Medical Act 1983) است که البته تاکنون سه بار در تاریخ‌های ۱۹۹۳/۱۱/۰۵، ۱۹۹۶/۰۷/۱۰ و نهایتاً در ۲۰۰۷/۱۲/۰۳ مورد بازنگری قرار گرفته است. تفکیک مناسبی که در این قانون صورت گرفته است، تفکیک میان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و حقیقی بریتانیایی است که در داخل بریتانیا به فعالیت پزشکی و دارویی می‌پردازند و آن‌ها که در خارج از بریتانیا این فعالیت را صورت می‌دهند. به عبارت

نقدی در بار اول برای پسماندهای عادی از پانصد هزار ریال تا یکصد میلیون و در صورت تکرار، هر بار به دو برابر مجازات قبلی در این ماده محکوم می‌شوند.»

۳-۱. در نظام کیفری ایران: از نظر مبانی، باید گفت که قانون‌گذار ایرانی از میان دو مبنایی که در ارتباط با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، از جمله در حوزه جرائم پزشکی وجود دارد، نظریه مگر متفکر را برگزیده است. نظریه مگر متفکر مبتنی بر این است که عمل ارکان و نمایندگان اصلی شخص حقوقی در حکم عمل شخص حقوقی بوده و جرم از این باب به شخص حقوقی انتساب داده می‌شود. این نظریه بر فرضی بودن اشخاص حقوقی تأکید می‌نماید و از این منظر برای اشخاص حقوقی، مسئولیت کیفری به صورت خود به خودی و مستقل قائل نیست و بر این فرض مبتنی می‌باشد که اشخاص حقوقی از طریق نمایندگان فردی خویش مرتکب جرم می‌گردند، فلذا در این نوع مبنا، احراز مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، از جمله در زمینه جرائم پزشکی در صورتی امکان‌پذیر است که بتوان تقصیری فردی منتسب بدان را احراز نمود و در صورت عدم احراز تقصیر افراد وابسته به آن شخص حقوقی، امکان انتساب مسئولیت کیفری شخص حقوقی نیز وجود ندارد.

رویکردهای موجود در زمینه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران به صورت کلی و فارغ از ارتکاب جرائم پزشکی، دو دوره متفاوت را دنبال نموده است: در دوره نخست، تلاش قانون‌گذار آن بوده است که مسئولیت مدنی در ظاهر کیفری را به مخاطبان قوانین کیفری نشان دهد. در این راستا، می‌توان به ماده ۲۰۱ قانون مالیات‌های مستقیم ۱۳۴۶ یا ماده ۲۸ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ اشاره نمود؛ در دوره دوم، قانون‌گذار رویکرد پذیرش مسئولیت کیفری را نه به عنوان یک مصداق از مسئولیت مدنی، بلکه به عنوان یک مسئولیت کیفری کامل مورد پذیرش قرار داده است که در این زمینه تاکنون ده قانون به تصویب رسیده است.

وارد به بیمار می‌باشد که تقصیرش در زمینه درمان یا جراحی به اثبات رسیده باشد.

۲-۲. در نظام حقوقی انگلستان: مسئولیت کیفری در قبال جرائم پزشکی در نظام حقوقی انگلستان زمانی ایجاد می‌گردد که قصور پزشکی اثبات گردد. بر این اساس، قصور پزشکی در نظام کیفری انگلستان زمانی واقع می‌شود که پزشک یا کادر پزشکی، اقدامات یا اعمال جراحی صورت دهند که پایین‌تر از استاندارد قرار بگیرد که توسط نهادهای تصمیم‌ساز پزشکی، از جمله اداره عملیات جراحی و اداره عملیات درمان انگلستان در قالب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در ارتباط با یک جراحی یا اقدام خاص پزشکی مقرر شده باشد. به صورت کلی در صورتی که قصور پزشکی منتهی به مرگ بیماران شده باشد، تبعاً از ضمانت اجرای کیفری شدیدتر برخوردار است، در صورتی که اثبات شود که قصور پزشکی شدید بوده است، منتهی به تشخیص قتل غیر عمد در نظام جزایی انگلستان خواهد شد (۱۲).

۳. مبانی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران و انگلستان در قبال جرائم پزشکی: در قسمت نخست به مبانی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران و انگلستان در قبال جرائم پزشکی اشاره می‌شود، البته پیش از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جرائم پزشکی مورد پذیرش قرار گرفته بود، از جمله می‌توان به ماده ۱۶ قانون مدیریت پسماندها (۱۳۸۳ ش.) اشاره نمود که با کاربردن مطلق کلمه «اشخاص» هم اشخاص حقوقی و هم اشخاص حقیقی را مد نظر قرار داده و محکوم به جزای نقدی در صورت ارتکاب فعل متخلفانه مندرج در ماده مارالاشاره نموده است. از آنجا که یکی از این پسماندها، پسماندهای بیمارستان‌ها است، این جرم می‌تواند مشمول عنوان زیر باشد: «نگهداری، مخلوط‌کردن، جمع‌آوری، حمل و نقل، خرید و فروش، دفع، صدور و تخلیه پسماندها در محیط بر طبق مقررات این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن خواهد بود. در غیر این صورت، اشخاص متخلف به حکم مراجع قضایی به جزای

۲-۳. در نظام کیفری انگلستان: مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی که در نظام حقوقی کامن لا از آن به عنوان «نماینده بی‌گناه» (Innocent Agency) یا «مشارکت غیر مستقیم در جرم» (Indirect Participation) یاد می‌شود (۸)، یکی از نهادهای حقوقی بسیار مهم امروزی در تمامی نظام‌های حقوقی، از جمله انگلستان تلقی می‌گردد. قوانین انگلستان نسبت به تمامی قلمروی سرزمینی جمهوری انگلستان، از جمله سرزمین‌های ماورالبحار و شبه جزایر آن اعمال می‌شود. این قوانین به طور ویژه از سال ۱۹۹۴ و با تصویب قانون جدید کیفری انگلستان، مسئولیت کیفری شخص حقوقی را در خود مقرر نمودند. اهمیت قانون‌گذاری انگلستان در حوزه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی آنجا نمود بیشتری پیدا می‌نماید که امکان اعتراض به آرای دادگاه‌های انگلستان در محاکم قضایی اروپایی همچون دادگاه اروپایی حقوق بشر وجود ندارد. در واقع، با توجه به تصریح کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، اتباع دولت‌های عضو نمی‌توانند نسبت به آرای کیفری که از دادگاه‌های کیفری صالح یکی از دولت‌های عضو صادر شده است، به دادگاه اروپایی حقوق بشر طرح دعوی نمایند.

قانون شماره ۲۰۰۴-۲۰۰۴ (قانون کیفری انگلستان) مورخه ۹ مارس ۲۰۰۴ انگلستان که از ۳۱ دسامبر ۲۰۰۵ لازم‌الاجرا شده است، به عنوان مهم‌ترین قانون کیفری انگلستان ناظر بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی شناخته می‌شود. این قانون بر تمامی جرائم اشخاص حقوقی به جزء جرائم مطبوعاتی و جرائم مرتبط با آن حاکمیت دارد، پیش از بازنگری‌های قانونی در نظام حقوق کیفری انگلستان، اصل بر عدم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بود. در واقع، بر اساس اصل لاتین «شرکت‌ها مرتکب جرم نمی‌شوند» یا «Societas Delinquere Non Potest»، در نظام حقوق انگلستان نیز تا قرن ۱۷ میلادی، اصل بر عدم مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بوده که این موضوع، علاوه بر قانون کیفری این کشور در قانون آیین دادرسی کیفری آن مستتر بوده و اشخاص حقیقی صرفاً تا این زمان دارای مسئولیت کیفری تلقی می‌شدند؛ این موضوع در دکتترین حقوقی نیز مورد پذیرش

قرار گرفته بود، به طوری که اولین تصریح می‌دارد که «حکومت نمی‌تواند در مقابل جرم مسئول شناخته شود» (۱۳). در مقابل، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قرار دارد که تنها ۴ الی ۵ ماده از آن به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اختصاص داده شده است، اگرچه موادی از قانون آیین دادرسی کیفری به صورت اختصاصی یا افتراقی نیز در مورد آن‌ها پیش‌بینی شده است، اما به نظر می‌رسد که با توجه به پیچیدگی جرائمی که می‌تواند از سوی اشخاص مزبور صورت بپذیرد، کفایت نکند.

۴. تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌های کیفری در جرائم پزشکی ارتكابی اشخاص حقوقی

۴-۱. در نظام حقوقی ایران: تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌های کیفری در جرائم اشخاص حقوقی از موضوعاتی است که از نظر قوانین آیین دادرسی کیفری مهم می‌نماید. یکی از اختلاف‌برانگیزترین مسائل مربوط به دادرسی جرائم اشخاصی حقوقی نیز در تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌های کیفری صالح وجود دارد.

در قانون آیین دادرسی کیفری، با توجه به ماده ۶۹۶ که مقرر می‌دارد: «در مواردی که مقررات ویژه‌ای برای دادرسی جرائم اشخاص حقوقی مقرر نشده است، مطابق مقررات عمومی آیین دادرسی کیفری که در مورد این اشخاص قابل اجرا است، اقدام می‌شود.» از آنجا که می‌توان در این خصوص، مقررات ویژه‌ای را از سایر مقررات، از جمله قانون تجارت استنباط نمود، بنابراین بایستی طبق این مقررات عمل شود. با توجه به ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری که دادگاه‌های کیفری را به پنج دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی تقسیم می‌نماید، بدیهی است که تشکیل برخی از این دادگاه‌ها همچون دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه‌های نظامی برای اشخاص حقوقی اصولاً منتفی می‌باشد، مگر اینکه بنا به وظیفه و اختیارات که از سوی قانون‌گذار بدان‌ها تفویض شده باشد، تکلیف قانونی به حفاظت از اطفال و نوجوانان مانند سازمان بهزیستی یا محافظت از امور نظامیان، از جمله نیروی انتظامی، سپاه

روستاها» می‌توانستند در صورت عدم اطاعت از پادشاهی انگلستان با جرمه‌های مختلفی، از جمله مسدود نمودن آن نواحی و جرمه‌های مالی و مالیاتی رو به رو شوند. در پی وقوع انقلاب ۱۷۸۹ دستور فوق‌الذکر الغا شده و هیچ مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته نشد، به علاوه، دستور ۵ مه ۱۹۴۵، سازمان‌های رسانه‌ای در انگلستان که با دشمن همکاری می‌نمودند را دارای مسئولیت کیفری می‌دانست (۱۵).

مهم‌ترین قضیه‌ای که ناظر بر جرائم اشخاص حقوقی تاکنون در انگلستان بوده است، به فعالیت‌های مجرمانه پولشویی و تقلب مالیاتی بانک سویسی UBS بوده که جرمه ۳ میلیارد و هفتصد میلیون یورویی را با خود به همراه داشت، مربوط می‌گردد، به علاوه، در ۳ سپتامبر ۲۰۱۹، شرکت «گوگل» ایرلند لیمیتد (Google Ireland Limited) و شعبه انگلستان آن، یعنی «گوگل انگلند» (Google England) که به جرائم تقلب مالیاتی محکوم شده بودند، به توافقی با دفتر دادستانی ویژه انگلستان در ارتباط با جرائم مالیاتی موسوم به CJIP دست یافتند که طی آن، ۵۰۰ میلیون یورو در قبال جرائم ارتكابی پرداخت نمودند.

۵. اصول حاکم بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان در قبال جرائم پزشکی: پس از اینکه به مبانی و تشکیلات ناظر بر رسیدگی به جرائم پزشکی اشخاص حقوقی در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان اشاره گردید، در این قسمت به اصول حاکم بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام‌های حقوقی مزبور پرداخته می‌شود. مهم‌ترین اصلی که در این زمینه وجود دارد، اصل تخصصی بودن رسیدگی کیفری به جرائم پزشکی اشخاص حقوقی است. با توجه به پیچیدگی که جرائم پزشکی با آن مواجه است؛ بدیهی است که رسیدگی بدان جرائم بایستی به صورت تخصصی انجام شود. در ادامه به اصول حاکم بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان در قبال جرائم پزشکی اشاره می‌شود.

پاسداران انقلاب اسلامی یا ارتش جمهوری اسلامی ایران داشته باشند.

۴-۲. در نظام حقوقی انگلستان: البته در نظام حقوقی انگلستان بین اشخاص حقوقی و سایر مفاهیم مشابه بایستی تفکیک قائل شویم، به این معنا که مشخصه شخص حقوقی، داشتن شخصیت حقوقی است، اما سایر نهادهای مشابه کیفری فاقد این چنین ویژگی هستند. در همین راستا، نمی‌توان «فعالیت مجرمانه مشترک (Joint Criminal Enterprise)» را یک نهاد مرتبط با شخص حقوقی در نظر گرفت، به این دلیل که در فعالیت مجرمانه مشترک صرفاً یک گروه یا توافق بدون داشتن شخصیت حقوقی مستقل به منظور ارتکاب جرم یا جرائم خاص تشکیل می‌گردد، ضمن اینکه صرف حضور در یک گروه یا توافق اینچنینی، خود از عوامل مشدده مجازات در نظام حقوقی انگلستان بوده، در حالی که صرف حضور در یک شخص حقوقی از عوامل مشدده مجازات تلقی نمی‌شود (۱۴). کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با فساد نیز الزاماتی را در ارتباط با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جرائم مندرج در این سند مقرر می‌دارد، از جمله اینکه ماده ۲۶ مقرر می‌دارد: «۱- هر یک از دولت‌های عضو می‌بایستی سازوکارهایی را که ضروری می‌بیند در انطباق با حقوق داخلی اش به منظور مسئول کیفری تلقی نمودن اشخاص حقوقی به دلیل مشارکت در جرائمی که در این کنوانسیون مقرر شده‌اند، ایجاد نماید؛ ۲- بر مبنای اصول قانونی هر یک از دولت‌های عضو، مسئولیت اشخاص حقوقی می‌تواند کیفری، مدنی و اداری باشد؛ ۳- اینچنین مسئولیتی می‌بایستی بدون لطمه به مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی باشد که جرم را مرتکب شده‌اند؛ ۴- هر دولت عضو به ویژه بایستی تضمین نماید که اشخاص حقوقی که بر مبنای این ماده مسئول تلقی می‌شوند، در معرض مجازات‌های کیفری یا غیر کیفری متناسب و مؤثر و بازدارنده، از جمله جزای نقدی قرار بگیرند.»

مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام کیفری انگلستان دارای جنبه تاریخی بوده و به طور کلی به دنبال دستور ۱۶۷۰ پادشاهی وقت انگلستان مقرر شده است که: «جوامع، شهرها و

دسامبر ۲۰۰۵ و با تصویب قانون جدید کیفری انگلستان تغییر کرده و امروزه رسیدگی کیفری به تمامی جرائم ارتكابی اشخاص حقوقی امکان پذیر می باشد.

۷. اصل صلاحیت عام رسیدگی کیفری به جرائم اشخاص حقوقی: بدیهی است که در این مورد، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تفکیک خاصی در ارتباط با این موضوع انجام نداده است و به طور کلی به نظر می رسد که تشکیلات و صلاحیت دادگاه های کیفری در جرائم اشخاص حقوقی در نظام حقوقی ایران، به مانند اشخاص حقیقی است و نمی توان قائل به تمییز بودن در این مورد شد، با این حال در نظام حقوقی انگلستان بر حسب نوع و شدت جرم، صلاحیت و تشکیلات دادگاه های کیفری متفاوت می باشد. بر مبنای بند دو ماده ۱۲۱ قانون کیفری انگلستان - که بدان قانون پربن دو (Perben 2) نیز اطلاق می گردد - مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در این قانون، دارای دو جنبه می باشد: اولاً مسئولیت آن ها غیر مستقیم بوده یا تا بدانجا بدان ها قابل انتساب است که اشخاص حقیقی اقدامات مجرمانه ای را انجام داده باشند که قابل انتساب بدان ها باشد. بر همین اساس است که بند دو ماده ۱۲۱ مقرر می دارد که: «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع از مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی که مرتکبان همان جرائم بوده اند یا در ارتکاب آن ها مشارکت داشته اند، نمی گردد.» با این حال، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تنها در چنین فرضی وجود نداشته، بلکه در مواردی نیز که اشخاص حقوقی زیرمجموعه یا تابعه مستقیماً از طریق اعمال اشخاص حقوقی خسارتی را تحمیل ننموده، اما به ایجاد وضعیتی کمک نموده باشند که امکان وقوع خسارت را محتمل نموده باشند، مسئول کیفری تلقی می شوند. بر مبنای نظام حقوقی انگلستان، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، حتی در فرضی که نمایندگان آن شخص از اختیارات قانونی خود فراتر رفته و مرتکب جرائم شده باشند، نیز وجود دارد (۱۶)؛ ثانیاً در کنار این ماده، بایستی سایر قوانین حاکم بر عملکرد اشخاص حقوقی همچون قانون تجارت، قانون مدنی و قانون پولی و مالی انگلستان مد نظر قرار بگیرد.

۶. اصل تخصصی بودن رسیدگی کیفری به جرائم اشخاص حقوقی: اصل تخصصی بودن رسیدگی کیفری به جرائم اشخاص حقوقی دلالت بر آن دارد که بایستی فرآیند رسیدگی به جرائم اشخاص حقوقی به صورت تخصصی صورت پذیرد. در این خصوص، در نظام قضایی ایران، دادرسی در تهران تحت عنوان دادرسی رسیدگی به جرائم پزشکی و دارویی تشکیل شده است که پس از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، علاوه بر رسیدگی به جرائم پزشکی و دارویی کادر درمان، به جرائم پزشکی و دارویی اشخاص حقوقی، اعم از حقوقی حقوق خصوصی و حقوقی حقوق عمومی صلاحیت رسیدگی دارد. نکته ای که به نظر می رسد که در اینجا قابل ارائه است، این می باشد که بسیاری از جرائمی که منتسب به اشخاصی که در حوزه پزشکی و دارویی فعالیت می نمایند، به جرائم پزشکی و دارویی قابلیت انتساب ندارد و در واقع، نمی توان آن ها را به عنوان جرائم پزشکی و دارویی دسته بندی نمود. در این صورت، این تردید ایجاد می شود که آیا بایستی به آن ها در دادرسی ویژه جرائم پزشکی و دارویی رسیدگی نمود.

در سیاست جنایی انگلستان در این خصوص، یک رویکرد مهم اخذ شده است و آن اینکه صرفاً جرائمی توسط اشخاص حقوقی که عهده دار فعالیت های پزشکی، دارویی و درمانی می شوند، در نهادهای تخصصی رسیدگی کننده به جرائم پزشکی و دارویی قابلیت رسیدگی دارد که آن جرائم نتوانند در خارج از محیط درمانگاه ها، بیمارستان ها یا سایر شرکت هایی که به نحوی از انحا با فعالیت های پزشکی مرتبط هستند، ارتکاب پیدا نماید. بدیهی است که این امر بایستی مورد توجه قرار گیرد که زمانی که برای اولین بار، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به نظام حقوقی انگلستان در سال ۱۹۹۲ وارد شد، اصل بر تخصصی بودن رسیدگی کیفری (Specialty Principle) به جرائم اشخاص حقوقی بود، به این معنا که اشخاص حقوقی تنها در قبال جرائم خاصی می توانند مسئول کیفری تلقی شوند که به صورت تخصصی در قانون در این ارتباط مقرر شده باشد. با این حال، این رویه هم چنانکه در گفتار بعد مورد اشاره قرار خواهد گرفت، از ۳۱

تفاوتی که در رسیدگی کیفری جرائم اشخاص حقوقی قبل و بعد از تصویب قانون جدید کیفری انگلستان وجود دارد، این است که دادستان در بعد از این تحولات قانونی برای مشخص نمودن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مشخص نماید که چه فردی از طرف شخص حقوقی عمل مجرمانه انجام داده است.

تفاوتی که در رسیدگی کیفری جرائم اشخاص حقوقی قبل و بعد از تصویب قانون جدید کیفری انگلستان وجود دارد، این است که دادستان در بعد از این تحولات قانونی برای مشخص نمودن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مشخص نماید که چه فردی از طرف شخص حقوقی عمل مجرمانه انجام داده است.

۸. رسیدگی عام به جرائم اشخاص حقوقی در دادگاه‌های

کیفری: رسیدگی عام به جرائم اشخاص حقوقی در دادگاه‌های کیفری به عنوان یک اصل مورد پذیرش قرار گرفته است. با این حال به نظر می‌رسد که در این زمینه بین نظام حقوقی ایران و نظام حقوقی انگلستان تفاوت‌های اساسی وجود داشته باشد. این تفاوت‌ها در دو سطح قابلیت تقسیم‌بندی دارد: اولاً اینکه از نظر شدت جرم؛ ثانیاً از نظر نوع جرم.

از نظر شدت جرم، جرائم ارتكابی اشخاص حقوقی در نظام حقوقی انگلستان به سه دسته جرائم کلان (High Crimes)، جرائم عادی و جرائم خرد تقسیم‌بندی می‌شوند. بر حسب اینکه اشخاص حقوقی مرتکب کدام یک از جرائم فوق شده‌اند، صلاحیت دادگاه‌های کیفری انگلستان متفاوت می‌نماید. در نظام حقوقی انگلستان، اشخاص حقوقی، حتی در قبال قتل غیر عمد نیز می‌توانند مسئولیت کیفری داشته باشند و برای این امر صرفاً اثبات این امر که یک شخصی به عنوان نماینده یا یکی از ارکان آن شخص حقوقی در راستای منافع آن مرتکب قتل غیر عمد شده است، کفایت می‌نماید. در قبال برخی از جرائم، قانون‌گذار به صورت خاص شخص نماینده شخص حقوقی را تعیین نموده است، از جمله اینکه اداره ضد فساد انگلستان، پست شغلی تحت عنوان «مأمور انطباق با موازین فساد» به منظور «مدیریت به کارگیری، اجرا و ارزیابی برنامه‌های مطابقت با سیاست‌های ضد ارتشا انگلستان را در همراهی نزدیک با ذی‌نفعان سازمان (خصوصی یا دولتی)» (۱۷) ایجاد نموده است. در صورت وقوع هرگونه جرائم رشا و ارتشا توسط شخص حقوقی، قانون‌گذار انگلستان این موضوع را بررسی می‌نماید که آیا مأمور انطباق با موازین فساد، اقدامات و الزامات قانونی انگلستان در ارتباط با مقابله با رشا و ارتشا را

۹. تفاوت‌های میان رویکردهای نظام حقوقی ایران و انگلستان در قبال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال ارتكاب جرائم پزشکی: پس از اینکه به رویکردهای کلی که هم در نظام حقوقی ایران و هم در نظام حقوقی انگلستان نسبت به مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال ارتكاب جرائم پزشکی وجود دارد، اشاره شد؛ هم اینک به تفاوت‌هایی که میان این رویکردها در قبال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جرائم پزشکی وجود دارد، پرداخته می‌شود. به نظر می‌رسد که سه تفاوت عمده در این بین وجود دارد که عبارتند از تفاوت از نظر ارکان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، تفاوت از نظر تنوع جرائم پزشکی و تفاوت از نظر نوع جرائم پزشکی قابل انتساب به اشخاص حقوقی.

۱۰. از نظر ارکان مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی: در نظام حقوقی انگلستان، اثبات عنصر معنوی برای جرائم اشخاص حقوقی ضرورتی پیدا نمی‌نماید. از نظر نوع جرم، تفاوت‌های مهمی میان نظام مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ایران و انگلستان وجود دارد، چراکه جرم انگاری‌های مختلفی در ارتباط با اعمال مجرمانه ارتكابی اشخاص حقوقی در نظام حقوقی انگلستان صورت گرفته است که در نظام حقوقی ایران، نظایر آن مشاهده نمی‌شود، می‌توان به چند نمونه آن در ذیل اشاره داشت:

۱- جرم «محروم کردن از منافع و مزایا (Escroquerie): این جرم همان‌گونه که از نامش پیداست، عبارت از محروم کردن یک شخص حقیقی یا حقوقی توسط یک شخص حقوقی از منافع، چیزها یا خدماتی که ارزشمند است از طریق استفاده از

نام و هویت اشتباه آن شخص حقوقی که در بند ۱ ماده ۳۱۳ قانون کیفری انگلستان جرم‌انگاری شده است؛

۲- جرم «نقض اعتماد (Breach of Trust) (Abus de Confiance)»: این جرم نیز مرتبط با در اختیارداشتن غیر قانونی اموال یا دارایی‌ها از سوی یک شخص حقوقی است که بر این اساس در اختیار شخص اخیر قرار گرفته‌اند که در مسیر مشخصی هزینه شده، اما توسط آن شخص حقوقی در یک مسیر دیگر به کار گرفته شده است که در بند ۱ ماده ۳۱۴ قانون کیفری انگلستان جرم‌انگاری شده است؛

۳- جرم «منتفع‌گشتن (Taking Advantage) (Abus de Faiblesse)»: منتفع‌گشتن به این معناست که یک شخص حقوقی، بزه‌دیده را در یک وضعیت قرار دهد که موجب ضررزدن به شخص حقوقی گردد، به این صورت که از وضعیت بی‌توجهی و قصور بزه‌دیده در جهت منافع آن شخص حقوقی سوءاستفاده نموده و نهایتاً آن بزه‌دیده را مسئول کیفری در قبال ضرردهی به شخص حقوقی مزبور جلوه دهد.

۱۱. از نظر تنوع جرائم پزشکی موجد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی: همچنین برخی جرائم اشخاص حقوقی است که بر مبنای قانون کیفری انگلستان، بر اساس صلاحیت جهانی دادگاه‌های کیفری انگلستان مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، از جمله شکنجه، ناپدیدسازی اجباری، تروریسم و تأمین مالی تروریسم، جرائمی که در ارتباط با مواد هسته‌ای ارتکاب پیدا می‌نماید، اقدامات غیر قانونی علیه امنیت دریانوردی، توقیف هواپیماهای کشوری جرائمی که در حدود صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار دارد (The Crimes within the Jurisdiction of ICC) و برخی جرائم مرتبط با حمل و نقل جاده‌ای (The Crimes Related to the Road Transportation)، به علاوه، این موارد، در صورتی که اشخاص حقوقی در جریان ارتکاب یکی از جنایات بین‌المللی قرار داشته‌اند، مجدداً بر اساس اصل صلاحیت جهانی تحت تعقیب قضایی می‌گیرند: ۱- اشخاص حقوقی که مسئول نقض‌های جدی و شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند که در قلمروی سرزمینی یوگسلاوی سابق از سال ۱۹۹۱

ارتکاب پیدا کرده است؛ ۲- اشخاص حقوقی که مسئول اقدامات جنایت‌آمیز ژنوسید یا سایر نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ای هستند که در سال ۱۹۹۴ در قلمروی سرزمینی رواندا ارتکاب پیدا نموده است، البته در ارتباط با جنایات بین‌المللی که در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری قرار دارند، با توجه به عضویت انگلستان در این دیوان و با توجه به اصل صلاحیت تکمیلی دیوان مندرج در ماده ۱۷ اساسنامه (۱۹) و اینکه اشخاص حقوقی حقوق خصوصی نیز در این اساسنامه می‌تواند تحت صلاحیت موضوعی دیوان قرار بگیرند، صلاحیت دیوان فوق‌الذکر نیز بایستی مورد توجه قرار بگیرد، چراکه بر طبق ماده ۵ اساسنامه دیوان، سه شیوه برای ارتکاب جنایات بین‌المللی تحت صلاحیت دیوان وجود دارند که عبارتند از: ارتکاب جرم از طرف خود شخص، ارتکاب جرم به عنوان شریک و ارتکاب جرم از طریق شخص دیگر که عموماً اشخاص حقوقی در این دسته‌بندی، در گروه «ارتکاب جرم از طریق شخص دیگر» قرار می‌گیرند (۲۰).

۱۲. از نظر نوع جرائم پزشکی قابل ارتکاب توسط اشخاص حقوقی: به علاوه از نظر نوع جرم نیز، تفاوت گسترده‌تری میان نظام‌های کیفری ایران و انگلستان مشاهده می‌شود، به این معنا که در حالی که در نظام حقوقی ایران هیچ‌گونه تقسیم‌بندی جرائم به جرائم اداری و جرائم کیفری اشخاص حقوقی وجود ندارد، اما جرائم ارتكابی اشخاص حقوقی در نظام حقوقی انگلستان به دو دسته جرائم اداری و جرائم کیفری تقسیم می‌شوند. این تقسیم‌بندی بر اساس نظریه «مغر متفکر» صورت گرفته است، یعنی عمل ارکان و نمایندگان اصلی شخص حقوقی را به منزله عمل شخص حقوقی دانسته و جرم را به شخص حقوقی نسبت می‌دهند. این نظریه مبتنی بر دیدگاه فرضی بودن شخص حقوقی است و برای اشخاص حقوقی به خودی خود و بی‌واسطه قائل به مسئولیت کیفری نیست و بر این فرض مبتنی است که اشخاص حقوقی از طریق نمایندگان فردی خود مرتکب جرم می‌شوند، لذا به دنبال احراز تقصیر کیفری فردی و انتساب آن به شخص حقوقی است. به این نظریه، نظریه شناسایی هم

Communities or Officials of Member States of the European Unions) اشاره نمود که انگلستان به موجب قانون شماره ۲۰۰۰-۵۹۵ مورخه ۳۰ ژوئن ۲۰۰۰ بدان متعهد می‌باشد. به موجب ماده ۱ این کنوانسیون که موجب شد تا قانون‌گذار انگلستان، بخش سوم قانون کیفری خود با عنوان «نقض تعهد دولت‌های عضو جامعه اروپایی، دولت‌های عضو اتحادیه اروپایی، سایر دولت‌های خارجی و سازمان‌های بین‌الدولی (Breach of the Public Administration of the European Communities, Member States of the European Union, Other Foreign States and Public International Organizations)» را مورد بازنگری قرار داده و به موجب آن، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی خارجی که در قلمروی یکی از دولت‌های عضو جامعه اروپایی یا اتحادیه اروپایی یا سایر دولت‌های خارجی یا حتی سازمان‌های بین‌المللی را به دلیل فساد اداری و اقتصادی به رسمیت بشناسد. از زمان لازم‌الاجرا شدن قانون جدید کیفری انگلستان در یک مارس ۱۹۹۴، حقوق انگلستان، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را مورد پذیرش قرار داده است. قانون‌گذار انگلستان، معتقد به یک مفهوم نسبتاً موسع از مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی شده که نسبت به تمامی جرائم و تمامی اشخاص حقوقی، از جمله شرکت‌ها اعمال می‌گردد. با این حال، این قانون‌گذاری مقرر می‌دارد که یک نهاد یا نماینده شخص حقوقی می‌بایستی از سوی آن شخص حقوقی مرتکب جرم شده باشد. هیچ اصل کلی در نظام حقوق کیفری انگلستان وجود ندارد که قضات را از تصمیم‌گیری در مورد نوع مجازات اشخاص حقوقی بازدارد. با وجود موارد استثنایی تفاوت، اما قاطبه قواعدی که ناظر بر آیین رسیدگی کیفری اشخاص حقیقی بوده بر اشخاص حقوقی نیز قابل اعمال می‌باشد (۱۷).

نتیجه‌گیری

اصل انتساب فعالیت مجرمانه به شخص مجرم یا مرتکب جرم یکی از اصول بارز در نظام حقوق کیفری می‌باشد. با این حال، اثبات رابطه انتساب به اشخاص حقوقی هم در نظام حقوقی

می‌گویند (۱۶). تقسیم‌بندی فوق، نظام حقوقی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی انگلستان را به نظام آلمان نزدیک می‌نماید، چراکه در نظام حقوقی اخیر، اصل بر مسئولیت اداری اشخاص حقوقی است تا مسئولیت کیفری آن‌ها. «میزان جرمه بر حسب اینکه جرم یک جرم کیفری یا اداری باشد، متفاوت است. در مورد جرائم کیفری، می‌توان شخص حقوقی را تا یک میلیون یورو جرمه کرد و اعتقاد بر این است که جرمه اشخاص حقوقی با اصل قانون اساسی که آن‌ها را اقدامات تنبیهی می‌داند، منطبق است.»

جرائم کیفری اشخاص حقوقی که عموماً از زمره جرائم عادی تلقی می‌شوند، جرائمی تلقی می‌شوند که از مجازات‌های ۲ ماه تا ۱۰ سال برای اشخاص حقیقی و جرمه‌های مالی برای اشخاص حقوقی برخوردار بوده و عموماً تعقیب قضایی آن‌ها از سوی دادستان عمومی انگلستان شروع شده، همچنین رسیدگی به این جرائم نیز در دادگاه بدوی کیفری صورت گرفته که از هیأت منصفه برخوردار نمی‌باشند. جرائم اداری اشخاص حقوقی نیز عموماً جرائم کارتل‌های تجاری تلقی می‌شوند که در نزد دادگاه‌های کیفری مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرند، بلکه مراجع اختصاصی در این راستا شکل گرفته است. جرائم کیفری اشخاص حقوقی بر طبق قانون جدیدی در انگلستان که نسبت به تمامی جرائمی که از مارس ۲۰۱۷ میلادی ارتکاب پیدا نمایند، اجرایی می‌شود، مبتنی بر نوعی مرور زمان در مورد این جرائم بوده، به نحوی که مرور زمان بین ۱۰ تا ۲۰ سال برای جرائم شدید و ۳ تا ۶ سال برای جرائم عادی بوده است.

بنابراین در مورد قانون آیین دادرسی کیفری ناظر بر اشخاص حقوقی نیز دقیقاً به همین صورت عمل می‌گردد (۲۱)، علاوه بر قانون انگلستان، اسناد بین‌المللی ناظر بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نیز که دولت انگلستان التزام خود بدان‌ها را بر اساس ماده ۵۵ قانون اساسی ۱۹۵۸ انگلستان اعلام نموده است، در این زمینه قابلیت اعمال دارد، از جمله آن‌ها می‌توان به کنوانسیون ۱۹۹۷ ضد فساد سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا (Convention on the Fight Against Corruption Involving Officials of the European

انگلستان و هم در نظام حقوقی ایران امکان‌پذیر نیست. در این صورت است که گفته می‌شود که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی انگلستان یک مسئولیت کیفری نمایندگی می‌باشد. قانون جزای انگلستان بر طبق بند ۲ ماده ۱۲۱، هیچ‌گونه تمایزی بین شخص حقوقی تبعه انگلستان با خارجی مشخص ننموده و به نظر می‌رسد که اشخاص حقوقی خارجی نیز در صورتی که شرایط مندرج در بند ۱ ماده ۱۱۳ را تحقق بخشیده و یکی از جرائم مصرح در مورد اشخاص حقوقی را در قلمروی سرزمینی انگلستان مرتکب شوند، مسئولیت کیفری داشته باشند، البته در نظام حقوق انگلستان این بحث هنوز پاسخ داده نشده است که اگر اعمال مجرمانه از سوی نمایندگان غیر رسمی اشخاص حقوقی در راستای منافع شرکت انجام شده باشد، آیا می‌توان قائل به مسئولیت کیفری شخص حقوقی بود؟ حقوقدانان انگلستان در این خصوص اختلاف نظر داشته و به دو دسته تقسیم شده‌اند، عده بسیاری از آن‌ها موافق تعقیب قضایی و اعمال مجازات شخص حقوقی در این چنین فرضی بوده و در این زمینه استدلال می‌نمایند که ادله حقوقی نیز وجود دارد. با این حال، عده اقلیت نیز مخالف مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در این چنین فرضی هستند.

در اینجا این سؤال مهم می‌باشد که مفهوم «نماینده» از منظر حقوق جزای انگلستان چیست؟ واژه «نماینده» برای اولین بار در متن پیش‌نویس قانون جزای ۱۹۸۶ به کار برده شده و پیش از آن در پیش‌نویس‌های سال‌های ۱۹۷۸ و ۱۹۸۳ قانون جزای انگلستان نه به عبارت نماینده، بلکه به عنوان ارگان اشاره شده بود. هیچ یک از مذاکرات مقدماتی تصویب قوانین جزای انگلستان و همچنین مباحثات کمیسیون‌های مرتبط پارلمان انگلستان، مفهوم دقیق نماینده در اشخاص حقوقی را تبیین نمی‌نمایند. با این حال، به نظر می‌رسد که مفهوم نماینده در حقوق جزای انگلستان نبایستی با مفهوم نماینده حقوقی مخلوط شود، چراکه از یک مفهوم خاص برخوردار است. در هر صورت، در اینجا بایستی مشخص شود که کدام یک نمایندگان شخص حقوقی به جزء ارگان‌های آن‌ها می‌باشند. در وهله اول، بایستی دو شخص را به عنوان نماینده

شخص حقوقی در حقوق جزای انگلستان مقرر نمود: اولاً شخصی که به موجب قانون، مأمور انطباق مقررات و عملکرد شخص حقوقی در یک حوزه خاص با مقررات وضع‌شده، از جمله در حوزه فساد است که پیش‌تر اشاره شد؛ ثانیاً شخصی که به موجب یک رأی قضایی در شرایط خاص و استثنایی به عنوان نماینده یک شرکت مشخص می‌گردد، این شخص می‌تواند مدیران موقت شرکت‌ها باشد که از سوی مدیران تصفیه یا دادگاه به این سمت منصوب شده است؛ سوم، اشخاصی که از سوی ارکان تصمیم‌گیرنده یک شخص حقوقی به عنوان نماینده آن شخص حقوقی منصوب شده‌اند. در عالم حقوق کیفری انگلستان، این امر از طریق تفویض اختیارات قانونی صورت می‌گیرد، فراتر از این در رویه قضایی انگلستان این امر به رسمیت شناخته شده است که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی می‌تواند حتی از سوی شخص ثالثی که کارمند شاغل آن شخص می‌باشد، ایجاد شود، مشروط بر اینکه شخص مزبور اقدامات اساسی و مجرمانه‌ای را به نفع شرکت و به اسم آن انجام داده باشد. بنابراین، برخلاف نظام حقوقی ایران، لازم نیست که صرفاً نماینده شخص حقوقی یا ارگان آن مرتکب جرم در جهت منافع شخص حقوقی و به نفع آن شود، بلکه در صورتی که شخص ثالث نیز اقدامات اساسی مجرمانه‌ای نیز در جهت منافع شخص حقوقی و به نفع آن مرتکب شود، می‌توان شخص حقوقی را دارای مسئولیت کیفری دانست.

از سوی دیگر، در رویه قضایی انگلستان نیز این امر به رسمیت شناخته شده است که سطح مداخله نماینده یا ارکان شخص حقوقی در تمامی جرائمی که قابلیت ارتکاب از سوی شخص حقوقی را دارد، یکسان نبوده، بلکه بر اساس ماهیت و نوع جرم متفاوت می‌باشد. بنابراین در جرائم علیه بهداشت و امنیت عمومی، سطح مداخله نماینده یا ارکان شخص حقوقی صرفاً متوجه عدم احترام آن نماینده یا رکن به بهداشت یا امنیت عمومی بوده و از این سطح، فراتر نمی‌رود.

مشارکت نویسندگان

رضا مقدم: گردآوری مطالب، اصلاح مطالب و نگارش متن.
حسین گلدوزیان: مشارکت در نگارش متن و نظارت بر اصلاحات.

علی اکبر اسمعیلی: نظارت بر اصلاحات.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

نویسندگان ابراز می‌نمایند که در نگارش این متن، از ابزار هوش مصنوعی استفاده نشده است.

References

1. Sharifi M. Criminal liability of legal entities in the legal systems of Iran and Germany. *The Journal of Comparative Law Semi-Annual*. 2019; 15(1): 115-125. [Persian]
2. Hajivand A, Mirkamali A, Safari F, Sarvi Sarמידانی O. Criminal Responsibility of the State for Environmental Crimes in Iran: Necessities and Challenges. *Environmental Sciences Quarterly*. 2018; 16(2): 65-82. [Persian]
3. Saeedipour B, Naderi GH. Medical Crimes in Iranian Law. *Quarterly Journal of Jurisprudence, Law and Criminal Sciences*. 2019; 16(3): 40-54. [Persian]
4. Masjedi Arani M, Elahi Manesh MR, Daemi M. Conditions and Establishment of Criminal Liability of Medical Officers and Developments of Islamic Penal Code 2013 to Present. *Journal of Forensic Medicine System Organization*. 2019; 39(4): 52-60. [Persian]
5. Merry A, Brookbands W. Merry and McCall Smith's Errors, Medicine and the Law. London: Cambridge University Press; 2017. p.28-34.
6. Pourhashmi E. Limits of Criminal Liability of Physicians and Guarantees of Its Execution in Islamic Penal Code and Iranian Criminal System. *Quarterly Journal of Applied Research in Jurisprudence and Law*. 2018; 2(1): 131-148. [Persian]
7. Salehi M. Criminal Liability of Legal Entities in the Law of Computer Crimes. Master's Thesis in Criminal Law and Criminology. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad; 2016. [Persian]
8. Sahloul HJ. Corporate Criminal Liability: A Comparison Between the Law in the United State and Saudi Arabia. London: Cambridge University Press; 2010. p.1306-1310.
9. Mir Saeedi SM. Criminal Liability; Territory and Elements. 3rd ed. Tehran: Mizan Legal Foundation; 2011. [Persian]
10. Jafari M. Principles and Principles of Criminal Liability of Legal Entities in the Islamic Penal Code of Iran. *Criminal Law Research Journal*. 2016; 7(14): 3-21. [Persian]
11. Qenad F, Akbari M. Criminal Responsibility of Legal Entities in Liquidation. *Scientific and Research Journal of Justice*. 2015; 91(3): 30-46. [Persian]
12. Slidregt E. Individual Criminal Responsibility in International Law. 1st ed. Oxford: OUP Oxford; 2012. p.87-91.
13. Streteanu F, Chiriță R. Răspunderea penală a persoanei juridice. 1st ed. Bucharest: Beck Publishing House; 2007. p.2-8.
14. Liviu Ispas G. The Criminal Liability for Companies. Lisbon: The International Conference Education and Creativity for a Knowledge based Society - Law; 2012.
15. Ramage S. A Comparative Analysis of Corporate Fraud: Fraud Law: Book Four. 1st ed. London: iUniverse Publication; 2006.
16. AFA, Recommendations to assist public and private legal entities in preventing and detecting bribery, influence peddling, misappropriation of public funds and favouritism, version 12-17 and Charter of the Rights and Duties of controlling Stakeholders.
17. De Schutter O. Transnational Corporations and Human Rights. 1st ed. Edinburgh: Bloomsbury Academic; 2006.
18. Ambos K. Treatise on International Criminal Law: Volume 1: Foundations and General Part. 1st ed. Oxford: OUP Oxford; 2013. p.145-152.
19. Mousavi Mojab SD, Rafizadeh A. The Scope of Criminal Liability of Legal Entities in the Islamic Penal Code. *Quarterly Journal of Criminal Law Research*. 2015; 14(13): 152-161. [Persian]
20. Fair Trials International, Criminal Proceedings And Defence Rights In France. 2013.
21. Deckert K. Corporate Criminal Liability in France. 1st ed. New York: Springer Publications; 2011.